

حوزه علمیة نائین

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیة خواهران

مدرسه علمیة فاطمه الزهراء (سلام الله علیها) نائین

مقاله سطح دو

موضوع:

تحلیل و بررسی لغت «فتنه» بر اساس آیات و روایات

استاد راهنما:

سرکار خانم فائزه گلستانی

پژوهش و نگارش:

زهرا بنده علی

بهمن ماه 1395



چکیده

سبک بیانی قرآن در کاربرد واژه «فتنه» یکی از موضوعات جالب قرآنی است که در این نوشته به آن پرداخته می‌شود. «فتنه» در لغت به معنای سوزاندن یک چیز با آتش است. در اصطلاح دینی و در زبان دین، «فتنه» به معنای شرایطی است که موجب آزمایش و امتحان انسان است و انسان طبق نوع عملکرد خود در این شرایط، شایسته سرزنش یا تشویق می‌شود. از این رو «فتنه» طبق مصادیق و موارد کاربردهای خود در معانی خاصی به کار می‌رود.

هفده معنای قرآنی «فتنه»، عبارت است از: «شرک، کفر، گمراه کردن، کشتن، باز داشتن، گمراهی، عذرخواهی، قضا، گناه، بیماری، عبرت، عقوبت، آزمایش، عذاب و شکنجه، سوزاندن، دیوانگی» و هفت معنای روایی آن عبارت است از: «عدم میانه روی در دین، مشغول شدن به یک چیز و بازماندن از چیزی مهم‌تر از آن، جنگ و اختلاف میان فرقه‌های مسلمان، آزمایش و امتحان، گسترش بلاء و گناهان، بازگشت از دین و انجام معصیت به جای طاعت، کشته شدن و آزار دیدن».

واژگان کلیدی: فتنه، انواع فتنه، قرآن، روایات.

9- امام صادق علیه السلام: «يَا عَبْدَ اللَّهِ، لَوْ يَعْلَمُ الْمُؤْمِنُ مَا لَهُ مِنَ الْأَجْرِ فِي الْمَصَائِبِ لَتَمَنَّى أَنَّهُ قَرَضَ بِالْمَقَارِضِ»؛ ای عبد الله، اگر مؤمن می دانست که پاداش مصائب و گرفتاری هایش چه اندازه است، آرزو می کرد با قیچی تکه تکه شود^۱.

10- امام باقر علیه السلام: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَيَتَعَاهَدُ الْمُؤْمِنُ بِالْبَلَاءِ كَمَا يَتَعَاهَدُ الرَّجُلُ أَهْلَهُ بِالْهَدِيَّةِ مِنَ الْغِيَةِ وَ يَحْمِيهِ الدُّنْيَا كَمَا يَحْمِي الطَّبِيبُ الْمَرِيضَ»؛ خداوند عزیز و با جلال از بنده مؤمنش با رنج و بلا دلجویی می کند، همچنان که شخص با هدیه ای که از سفر آورده، از خانواده اش دلجویی می کند و خدا مؤمن را از دنیا پرهیز می دهد، همچنان که طبیب بیمار را (از بعضی خوردنی ها و آشامیدنی ها) پرهیز می دهد^۲.

11- امام صادق علیه السلام: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ خَامَةِ الزَّرْعِ تُكْفِيهَا الرِّيحُ كَذَا وَ كَذَا وَ كَذَلِكَ الْمُؤْمِنُ تَكْفِيهِ الْأَوْجَاعُ وَ الْأَمْرَاضُ وَ مَثَلُ الْمُنَافِقِ كَمَثَلِ الْإِرْزَبَةِ الْمُسْتَقِيمَةِ الَّتِي لَا يُصِيبُهَا شَيْءٌ حَتَّى يَأْتِيَهُ الْمَوْتُ فَيَقْصِفُهُ قَصْفًا»^۳؛ رسول خدا فرمودند: حکایت مؤمن حکایت ساقه گیاه است که بادهای آن را به این سو و آن سو کج و راست می کنند. مؤمن هم به واسطه بیماری ها و دردها کج و راست می شود، اما حکایت منافق، حکایت عصای آهنین بی انعطافی است که هیچ آسیبی به آن نمی رسد، تا اینکه مرگش به سراغش می آید و کمرش را در هم می شکند.

12- امام صادق علیه السلام: «إِنَّ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ بَلَاءً النَّبِيُّونَ ثُمَّ الْوَصِيُّونَ ثُمَّ الْأَمْثَلُ فَلَا مَثَلَ وَ إِنَّمَا يُبْتَلَى الْمُؤْمِنُ عَلَى قَدَرِ أَعْمَالِهِ الْحَسَنَةِ فَمَنْ صَحَّ دِينُهُ وَ حَسُنَ عَمَلُهُ أَشَدَّ بَلَاءُ وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يَجْعَلِ الدُّنْيَا ثَوَابًا لِلْمُؤْمِنِ وَ لَا عُقُوبَةً لِّلْكَافِرِ وَ مَنْ سَخَفَ دِينَهُ وَ ضَعَفَ عَمَلَهُ قَلَّ بَلَاءُ وَ أَنَّ الْبَلَاءَ أَسْرَعَ إِلَى الْمُؤْمِنِ التَّقِيِّ مِنَ الْمَطَرِ إِلَى قَرَارِ الْأَرْضِ»^۴؛ در کتاب علی آمده که شدیدترین بلاها در بین آفریدگان، نخست به پیامبران و سپس به اوصیاء می رسد و آنگاه به مثل و شبیه ترین مردم به آنها. مؤمن به مقدار نیکی هایش آزموده می شود. هر که دینش درست و کارش نیک باشد، بلایش شدیدتر است، چراکه خدای عزوجل دنیا را

^۱. محمد بن یعقوب کلینی، 1362، ج 2، ص 255 (باب شدة ابلاء المومن حديث 15).

^۲. همان، ص 255 (باب شدة ابلاء المومن حديث 17).

^۳. محمد بن یعقوب کلینی، 1362، ج 2، ص 258 (باب شدة ابلاء المومن حديث 25).

^۴. همان، ص 259 (باب شدة ابلاء المومن حديث 29).

مایه پاداش مؤمن قرار نداده و نه وسیله عذاب کافر، اما آن که دینش نادرست و کارش سست باشد، بلایش اندک است. بلا به انسان مؤمن پرهیزکار زودتر می‌رسد تا باران به سطح زمین.

13- امام صادق علیه‌السلام: «كُلَّمَا أَزْدَادَ الْعَبْدُ إِيمَانًا أَزْدَادَ ضِيقًا فِي مَعِيشَتِهِ»¹؛ هر اندازه که ایمان بنده افزون گردد، تنگ دستی‌اش بیشتر و زندگی‌اش سخت‌تر شود.

14- امام صادق علیه‌السلام: «قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَوْ أَنَّ يَجِدَ عَبْدِي الْمُؤْمِنُ فِي قَلْبِهِ لَعَصَّبْتُ رَأْسَ الْكَافِرِ بِعَصَاةٍ حَدِيدٍ لَا يُصَدِّعُ رَأْسُهُ أَبَدًا»²؛ خداوند عزوجل می‌فرماید اگر بنده مؤمن من دل آزرده نمی‌شد، سر انسان کافر را با دستمالی آهنین می‌بستم، تا هرگز دچار سردرد نشود.

¹. محمد بن یعقوب کلینی، 1362، ج 2، ص 261 (باب فضل فقراء المسلمين حدیث 4).

². همان، ص 257 (باب شدة ابتلاء المومن، حدیث 24).

نتیجه‌گیری

انسان‌ها در ظرفیت وجودی خود از نیروها و استعدادها و قوای مرموزی برخوردارند که برای رشد و تکامل آنها ضروری است. بی‌شک این نیروها در برخورد انسان با شدائد و سختی‌ها و مجاهدت‌های بی‌پایان شکوفا می‌شود و پس از شکوفایی آماده دریافت نتایج مثبت دنیوی و اخروی می‌گردد. از آنجا که برای شکوفایی قوای عقلانی و روحانی بشر، جز حوادث و رنج‌ها راه دیگری وجود ندارد، لذا قرآن کریم آزمون و فتنه را امری ضروری برای نوع بشر اعلام می‌کند و هیچ استثنایی را در رابطه با آن بر نمی‌شمارد؛ بنابراین وجود اقسام بلایا و فتنه‌ها در زندگی نوع بشر، امری انکار ناپذیر است.

بنابر تحقیقات حاصل از این مقاله می‌توان دریافت که واژه فتنه، در اصطلاح لغت‌شناسان، به معنای سوزاندن یک چیز با آتش است و در اصطلاح دینی، به معنای شرایطی است که موجب آزمایش و امتحان انسان است و انسان طبق نوع عملکرد خود در این شرایط، شایسته سرزنش یا تشویق می‌شود.

در کتابها و مقالات مختلف، فتنه را بر انواعی یادکرده‌اند که با مراجعه به آنها و گردآوری یکایک آنها در کنار هم، دریافتیم که این واژه - «فتنه» - ۱۷ معنای قرآنی و ۷ معنای روایی دارد.

فتنه هم به خدا نسبت داده می‌شود و هم به بندگان خدا؛ در صورتی که فاعل ایجاد این مسأله خداوند باشد، فتنه در معنای ممدوح و عاملی برای تعالی و تکامل نوع بشر به شمار می‌رود و در صورتی که فاعل ایجادکننده فتنه، اغیار (غیر خدا، انسان) باشد، فتنه در معنای مذموم و عامل ایجاد تفرقه بین مردم خواهد بود.

فهرست منابع و مآخذ

1. کتابها

الف) منابع فارسی

1. قرآن.
2. نهج البلاغه.
3. ابن حنبل، احمد؛ مسند/احمد، بیروت: دار صادر، بی تا.
4. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن، ترجمه غلامرضا خسروی، تهران: مرتضوی، چاپ سوم، 1385.
5. طباطبائی، محمدحسین؛ ترجمه تفسیر المیزان، مترجم محمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (دفتر انتشارات اسلامی)، 1374.
6. طبرسی؛ تفسیر مجمع البیان، تهران: انتشارات فراهانی، بی تا.
7. قرشی، سید علی اکبر؛ قاموس قرآن، ج 5، چاپ هفدهم، 1390، تهران: دارالکتب الاسلامیه
8. کلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران: نشر نور، 1362.
9. مألوف، لوییس؛ فرهنگ المنجد عربی به فارسی، ترجمه محمد بندریگی، تهران: انتشارات اسلامی، چ 2، 1390.
10. مسلم بن حجاج نیشابوری؛ صحیح مسلم، بیروت: دارالفکر، بی تا.
11. مطهری، مرتضی؛ آشنایی با قرآن، تهران: صدرا، 1377.
12. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، چاپ دهم، بی جا: دارالکتب الاسلامیه، 1372.
13. مهدویان، حسن و احمد نطنزی، نگاه قرآن به آزمون الهی، تهران: کانون اندیشه جوان، 1386.

ب) منابع عربی

1. ابن فارس، ابوالحسین احمد؛ معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، بی جا: مکتبه الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ق.
2. بخاری، محمد بن اسماعیل؛ صحیح البخاری، بی جا: دارالفکر للطباعة و النشر والتوزیع، 1401ق.
3. جبران، مسعود؛ الزند، بیروت (لبنان): دارالعلم للملایین، چاپ پنجم، 1986.
4. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق: محمد سالم هاشم، قم: فخر دین، ج ۱۳۸، ۲ش.
5. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی؛ من لا یحضره الفقیه، تصحیح و تعلیق: علی أكبر الغفاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه، چاپ دوم، بی تا.
6. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ کتاب العین، تحقیق: الدكتور مهدی المخزومی و الدكتور إبراهيم السامرائی، بی جا: مؤسسه دارالهجره، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
7. العسقلانی، شهاب الدین احمد بن علی بن حجر؛ الترغیب والترهیب، محقق، اصوله و علق علیه حبیب الرحمن الاعظمی، ضبطه و شرح غریبه ساریه عبدالکریم الرفاعی بی جا: مؤسسه علمی و فرهنگی دارالحديث، 1413ق = 1371، ج 4، ص 184، حدیث 74.
8. فؤاد عبدالباقی، محمد؛ المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، قاهره: دار الکتب المصریه، ۱۳۶۴ق.
9. متقی هندی؛ مجمع الزوائد و کنز العمال، تحقیق بکری حیانی و صفوه السقا، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، 1387، ج 16، حدیث 44129.

۲. مقالات

- ابراهیمی، محبوبه؛ «فتنه در قرآن: همه از غربال رد نمی شوند»، مندرج در مجله فرهنگ پویا، زمستان 1388، شماره 15، صص 32-28.
- قاسمی، لیلا و باب الله محمدی؛ «نگرشی بر معانی فتنه در قرآن با استناد بر تفاسیر»، مندرج در مجله مطالعات قرآنی، بهار 1391، سال دوم، شماره 9، صص 108-89.